



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۷۷ - ۱۰ مارس ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۰۳
KAR. No. 203 Wednesday 10. Mar. 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۰۳ - چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۷۷

سرمقاله

آن چه به افکار عمومی اروپایی گوییم
و از دولت های غربی می خواهیم

یادداشت

چند نتیجه گیری
درباره انتخابات شوراها

با انتخاب هیات دبیران موقت
کانون نویسندگان در ایران تشکیل شد

محسن کدیور به اتهام مخالفت با اختیارات مطلقه ولی
فقیه و حمایت از جدایی دین و دولت محاکمه می شود

هزاران نفر در شهرهای کردستان علیه حکومت تظاهرات کردند
نیروهای مسلح مردم را به گلوله بستند و بیش از ده نفر را کشتند

کاندیداهای جناح راست در انتخابات
شوراها به سختی شکست خوردند!

((کار)) بیست ساله شد

ما برای بازگشت به زادگاه خویش، از پای نخواهیم نشست!

اطلاعیه کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به مناسبت ۸ مارس

نامه سرگشاده

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

پیرامون سفر آقای خاتمی به اروپا آن چه به افکار عمومی اروپایی می‌گوییم و از دولت‌های غربی می‌خواهیم

این روزها اروپا خود را برای اولین سفر یک رییس جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کند. در حالی که دولت‌های اروپایی دعوت کننده خاتمی، می‌کوشند تحولات در ایران و میانه‌رو شدن حکومت را دلیلی برای دعوت از رییس‌جمهور اسلامی و بهبود مناسبات با ایران اعلام کنند، احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون، آزادی‌خواهان و بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور یک صدا این واقعیت را مورد تاکید قرار می‌دهند که حقوق بشر در ایران هنوز به گسترده‌ترین شکل نقض می‌شود و اروپا باید رعایت حقوق بشر در ایران را مبنای مناسبات خود با جمهوری اسلامی قرار دهد.

برای سفر خاتمی به اروپا راهی دراز پیموده شده است. رهبران جمهوری اسلامی سال‌ها تلاش می‌کردند برای خروج از انزوای سیاسی و شکستن حلقه‌های محاصره آمریکا، روابط دیپلماتیک با کشورهای اروپایی را تا سطح رفت و آمد روسای جمهور ارتقا دهند. اما در اروپا دولت‌ها علیرغم برقراری مناسبات اقتصادی کلان با جمهوری اسلامی، به دلیل بی‌اعتباری سران رژیم در بین مردم ایران و اروپا، به نفع خود نمی‌دیدند پای سردمداران حکومت اسلامی را به کشور خود باز کنند و هم‌دوش آنان در انظار عمومی ظاهر شوند. با حکم دادگاه می‌کونوس دشواری دولت‌مردان اروپا برای معتدل نشان دادن رژیم باز هم بیشتر شد.

بعد از دوم خرداد و انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری، پرچم ((گفتگوی تمدن‌ها)) بر چهره واقعی رژیم سایه انداخت، دولت خاتمی گام‌هایی در جهت تغییر سیاست خارجی برداشت و بر زمینه تمایل دولت‌های اروپایی به نادیده گرفتن ادامه سرکوب در ایران، ماجرایی می‌کونوس و نقض حقوق بشر در ایران فراموش شد و تلاش‌ها از دو سو، با مقاصد متفاوت و متمایز برای عادی کردن مناسبات با شتاب بیشتری ادامه یافت.

شتاب اروپا در دعوت از خاتمی و عادی‌سازی مناسبات با جمهوری اسلامی در چیست؟ دولت‌های اتحادیه اروپا به ویژه فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا نگران پایان غیبت ۲۰ ساله آمریکا در صحنه اقتصادی ایران هستند. پای آمریکا هنوز به ایران نرسیده، اما صدای گام‌های آن روز به روز بلندتر شنیده می‌شود. اروپا برای مهار نفوذ آمریکا در آسیای میانه به جای پای محکمی در منطقه نیاز دارد. ایران از بسیاری از جنبه‌ها برای اروپا آن جای پای استراتژیک است. بازار مصرف ۶۰ میلیونی، نیروی کار جوان و آزموده ایران، منابع عظیم مواد اولیه، نفت و گاز و وابستگی ایران به فروش این منابع، عواملی هستند که اروپا برای رونق اقتصادی و راه یافتن به بازارهای آسیای میانه احتیاج دارد و هرگونه تاخیر در برابر آمریکا می‌تواند برای آن گران تمام شود.

در مقابل، علت شتاب جمهوری اسلامی که حاضر شده به بسیاری از شرایط به ویژه اقتصادی دولت‌های اروپایی گردن نهد، بحران اقتصادی کم‌سابقه و افزایش نارضایتی اجتماعی است. دولت خاتمی به چنان بحران مالی دچار است که اگر ۶ ماه نتواند نفت بفروشد و کالای نسبی از اروپا تحویل بگیرد، کل رژیم به خطر می‌افتد. ارزش نفت و صادرات نفتی و غیرنفتی ایران در حال حاضر به نازل‌ترین سطح رسیده و واحدهای تولیدی یک به یک تعطیل می‌شوند. نرخ بیکاری از مرز بیست درصد گذشته، کارخانه‌ها و ادارات صحنه اعتراضات کارگران و کارمندی است که حقوق آن‌ها به تعویق افتاده، موعد بازپرداخت بدهی‌های خارجی گذشته، ریال در برابر ارزهای خارجی بی‌ارزش شده و صنایع نفت و گاز کشور چنانچه به سرعت بازسازی نشوند، پاسخگوی مصرف داخلی هم نخواهند بود. برای حل این دشواری‌ها و خروج از انزوای سیاسی، خاتمی به اروپا می‌آید.

بهبود مناسبات میان جمهوری اسلامی و اروپا اگر مبتنی بر منافع ملی ما و حمایت از حقوق بشر باشد، برای ایران با اهمیت است. ما همان‌گونه که تا کنون بارها اعلام کرده‌ایم، یک بار دیگر نیز اعلام می‌کنیم از نظر ما هرگونه بهبود مناسبات اروپا با جمهوری اسلامی باید مبتنی بر اعمال فشار برای بهبود حقوق بشر در ایران باشد. از نظر ما تظاهرات و حرکات اعتراضی ایرانیان در جریان سفر رییس‌جمهور اسلامی به اروپا باید در این جهت باشد. این مسافرت فرصت مناسبی است که افکار عمومی مردم کشورهای اروپایی را متوجه این واقعیت کرد که علیرغم تغییراتی که در ایران صورت گرفته است، آمرین و عاملین قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان ایرانی هنوز آزادند، احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف حکومت سرکوب می‌شوند، هیچ روزنامه‌گیر وابسته به حکومت در ایران اجازه انتشار ندارد، قوانین ظالمانه علیه زنان بیداد می‌کند، زندان‌های جمهوری اسلامی هنوز زندانیان بسیاری را در خود جای داده‌اند و تهدید علیه آزادی اندیشه و بیان ادامه دارد.

باید به افکار عمومی اروپا نشان داد که میلیون‌ها ایرانی در خارج از کشور مخالف این توهم و دروغ هستند که ایران دیگر کشوری نیست که آزادی در آن سرکوب می‌شود. ما ایرانیان را به گسترده‌ترین حرکات اعتراضی در این جهت فرا می‌خوانیم.

یادداشت

چند نتیجه‌گیری درباره انتخابات شوراها

انتخابات شوراها در فضای پرتنش و نزاع حاد بین جناح‌های درون حکومت برگزار شد. قبل از انتخابات، دو جناح در توافق با هم امکان شرکت سایر نیروهای سیاسی در انتخابات را سلب کردند. جناح راست کوشید با رد صلاحیت کاندیداهای رقیب، شرایط را برای پیروزی انحصاری خود فراهم آورد. این تلاش‌ها به ثمر نرسید و کاندیداهای حکومت به همراه کاندیداهای مستقل به رای مردم گذاشته شدند. نیروهای آزادی‌خواه به ویژه نیروهای چپ که طراح و مدافعین سرسخت شوراها، به عنوان ابزار مشارکت مستقیم توده مردم در اداره امور خویش بوده‌اند، به علت سیاست سرکوب‌گرانه حکومت نتوانستند در این انتخابات حضور فعالانه‌ای داشته باشند.

علیرغم همه این محدودیت‌ها، انتخابات شوراها نتایج سیاسی مثبتی به همراه آورد و تشکیل آن‌ها به سود گسترش مبارزه دموکراتیک در کشور بود. برای اولین بار در تاریخ کشور ما این امکان به وجود آمد که سهمی هر چند اندک از اداره شهرها و روستاهای کشور، مستقیماً به خود مردم سپرده شود.

با شروع کار شوراها، نهاد جدیدی وارد جامعه و سیستم اداره کشور می‌شود که تاکنون تجربه مشخصی درباره آن در کشور ما وجود ندارد. مبارزه در این جهت نه تنها پایان نیافته، بلکه تازه آغاز شده است. اکنون از یک سو بر مردم است که بکوشند این شوراها را بیشتر و بیشتر در خدمت منافع خویش درآورند و از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی و ضدآزادی تلاش خواهند کرد آن‌ها را به زایده‌های حکومت خود و یا ارگان‌هایی بیکار و بی‌خاصیت تبدیل سازند. شوراها به طور بالقوه هم امکان آن را دارند که در خدمت نیازهای مردم درآیند و هم می‌توانند به ارگان‌های ارتجاعی حکومتی تبدیل شوند. بیشترین خطری که شوراها را در شرایط کنونی تهدید می‌کند، خطر تبدیل شدن به زایده ارگان‌های حکومتی از یک سو و انفعال از سوی دیگر است.

برنامه‌های هیچ کدام از جناح‌های حکومت در مورد شوراها، آن نیست که به استقلال و کارآیی بیشتر این نهادها بیانجامد. جناح راست حکومت شوراهایی می‌خواهد که در خدمت ولی فقیه باشد و جناح چپ حکومت شوراهایی می‌خواهد که ((بازوهای حمایتی دولت)) باشند، مردم شوراهایی می‌خواهند که نه این باشد و نه آن، مستقل باشند و به طور مستقیم در خدمت نیازها و خواست‌های مردم قرار گیرند. این تفاوت سیاست‌ها بی‌شک در آینده در کار شوراها بازتاب خواهد یافت.

اما نخستین انتخابات شوراها نتایج مستقیم سیاسی نیز به همراه داشت. در این انتخابات جناح راست حکومت و طرفدار ولایت مطلقه فقیه و دشمن آزادی، به سختی شکست خورد. در اکثریت قریب به اتفاق شهرها کاندیداهای این جناح در اقلیت کامل قرار گرفتند و مردم یک بار دیگر با رای خود، مخالفت آشکار خود با این جناح و سیاست‌های آزادی ستیزانه آن را اعلام داشتند. هر چند این جناح می‌کوشد شکست خود را با توجیهاتی همراه کند، اما بی‌شک نتایج روانی و سیاسی این شکست را نمی‌تواند از بین ببرد و موقعیت آن در جامعه و حکومت باز هم بیشتر تضعیف خواهد شد.

نتیجه مهم و قابل تاکید دیگر این انتخابات، موفقیت چشمگیر کاندیداهای مستقلی بود که به هیچ کدام از جناح‌های حکومت وابسته نبودند. صرف‌نظر از گرایشاتی که این کاندیداهای مستقل داشته باشند، تا چه اندازه واقعا مستقل باشند و در آینده در شوراها چه بکنند، اما رای مردم به آن‌ها رای منفی به هر دو جناح رژیم است، رای به سیاست‌های تازه و چهره‌های تازه است. مردم با انتخاب کاندیداهای غیروابسته در بسیاری از حوزه‌ها و شهرها به روشنی اعلام کرده‌اند که از انتخاب بین این و آن جناح حکومت خسته شده‌اند و امکانات و آلترناتیوهای تازه‌ای را جستجو می‌کنند. معنای این رای را باید دریافت و به این موضوع به طور جدی توجه کرد که حتی در چارچوب امکانات بسیار محدود کنونی و در حالی که دو جناح رقیب رژیم فضای سیاسی کشور را به انحصار خود درآورده‌اند، حداقل بخش‌های عمده‌ای از مردم نگاه به بیرون حکومت دارند و شرایط بیش از پیش برای تشکیل قطب سوم سیاسی در کشور آماده می‌شود!

با انتخاب هیات دبیران موقت کانون نویسندگان در ایران تشکیل شد

روز ۱۳ اسفند ماه، جمعی از نویسندگان ایران بنا بر قرار قبلی در تهران در خانه سیمین بهبانی، شاعره نامدار کشور گرد آمدند تا علاوه بر بررسی پیش‌نویس منشور کانون نویسندگان ایران، هیات دبیران موقت این کانون را نیز انتخاب کنند. برگزاری این جلسه، حاصل تلاش‌ها و پیگیری‌های بی‌دریغی است که از چند ماه پیش در جریان بوده است و زنده‌یادان محمد مختاری و محمد جعفر پوینده سهم عمده‌ای در آن داشتند و جان خود را از جمله بر سر تشکیل این کانون نهادند. محمد مختاری و محمد جعفر پوینده سه ماه پیش قربانی دفاع از آزادی اندیشه و بیان شدند که در روز سیزدهم اسفند ماه، ده‌ها نویسنده برای آن گرد هم آمدند.

در جلسه کانون، ده نفر از نویسندگان به عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل هیات دبیران موقت کانون نویسندگان ایران انتخاب شدند که خانم‌ها سیمین بهبانی و شیرین عبادی و آقایان هوشنگ گلشیری، کاظم کردوانی و علی‌اشرف درویشیان ۵ عضو اصلی این هیات هستند.

در این جلسه همچنین تصمیم گرفته شد پس از جمع‌آوری پیشنهادهای در باره اصلاح و تکمیل منشور کانون، نویسندگان کشور طی یک دعوت عام برای شرکت در مجمع عمومی کانون نویسندگان، فرا خوانده شوند. قرار است در این مجمع منشور کانون نویسندگان مورد بررسی و تصویب قرار گیرد و هیات دبیران رسمی (غیر موقت) کانون انتخاب شود.

از پاره‌ای گزارش‌های نسبتاً موثق چنین برمی‌آید که که جلسه نویسندگان در منزل سیمین بهبانی با تایید ضمنی وزارت ارشاد و تحت مراقبت نیروهای انتظامی برگزار شده است. سیمین بهبانی در مصاحبه‌ای حضور نیروهای انتظامی در اطراف محل جلسه را تایید کرد ولی گفت که نویسندگان رسماً تقاضایی برای تامین این جلسه نکرده بودند.

هیات دبیران موقت کانون نویسندگان ایران در یکی از اقدامات اولیه خود با صدور اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن بازداشت حجت‌الاسلام کدیور، دستگیری وی را تهدیدی جدی علیه آزادی اندیشه و بیان خواند و خواهان آزادی وی و ایجاد شرایط مساعد برای فعالیت‌های پژوهشی و نوشتاری او شد.

علیرغم اعتراضات گسترده به دستگیری خودسرانه حجت‌الاسلام کدیور

محسن کدیور به اتهام مخالفت با اختیارات مطلقه ولی فقیه و حمایت از جدایی دین و دولت محاکمه می‌شود

این هفته محسن کدیور در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه می‌شود. حجت‌الاسلام کدیور از چهره‌های سرشناس حوزه علمیه قم و از پژوهشگران اسلامی که با درآمیزی دین و دولت مخالف است، هفته گذشته زمانی که طرفداران خاتمی خود را برای پیروزی در انتخابات شوراها آماده می‌کردند، توسط دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شد و بعد از ساعت‌ها بازجویی، به زندان اوین انتقال یافت.

دستگیری کدیور اعتراضات گسترده‌ای در ایران برانگیخته و ائتلاف بزرگی از نیروهایی که خواهان انحلال دادگاه ویژه روحانیت هستند، تشکیل شده است. درگیری دو جناح بر سر عملکرد این دادگاه، انحلال یا ادامه فعالیت آن حتی به حوزه علمیه قم نیز کشیده شده و شمار زیادی از روحانیون حوزه علمیه علیه دادگاه ویژه روحانیت به حمایت از محسن کدیور برخاسته‌اند. موسوی اردبیلی، یوسف صانعی، موسوی تبریزی، مجتهد شبستری، از چهره‌های بانفوذ حوزه علمیه قم، خواستار انحلال دادگاه ویژه روحانیت هستند و می‌گویند این دادگاه غیرقانونی است و ادامه کار آن ((مصلحت)) نمی‌باشد. انجمن‌های اسلامی برای اعتراض به دادگاه ویژه روحانیت اعلام کرده است روزهای یکشنبه و دوشنبه این هفته تظاهراتی در اعتراض به دادگاه ویژه روحانیت برگزار خواهد کرد. در تهران در روز یکشنبه تجمع اعتراضی دانشجویان صورت خواهد گرفت و عبدالله نوری سخنرانی خواهد کرد. این تظاهرات در ده شهر صورت خواهد گرفت. جناح راست حکومت از دستگیری کدیور حمایت می‌کند. رییس قوه قضاییه در مصاحبه مطبوعاتی با تایید عمل دادگاه ویژه روحانیت گفت: کدیور نیز مانند ده‌ها متهم دیگر بازداشت شده و پرونده وی در مرحله تحقیقات است.

روز شنبه ۱۵ اسفند دادگاه ویژه روحانیت با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تاکید بر قانونی بودن این دادگاه اعلام کرد کیفر کدیور آماده است و وی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، نشر اکاذیب و تشویش اذهان‌های عمومی دستگیر شده است. گفته می‌شود علت اصلی دستگیری وی مصاحبه‌ای است که با روزنامه

خرداد انجام داده و در آنجا به صراحت جناح راست حکومت از دستگیری کدیور حمایت می‌کند. رییس قوه قضاییه در مصاحبه مطبوعاتی با تایید عمل دادگاه ویژه روحانیت گفت: کدیور نیز مانند ده‌ها متهم دیگر بازداشت شده و پرونده وی در مرحله تحقیقات است.

روز شنبه ۱۵ اسفند دادگاه ویژه روحانیت با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تاکید بر قانونی بودن این دادگاه اعلام کرد کیفر کدیور آماده است و وی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، نشر اکاذیب و تشویش اذهان‌های عمومی دستگیر شده است. گفته می‌شود علت اصلی دستگیری وی مصاحبه‌ای است که با روزنامه خرداد انجام داده و در آنجا به صراحت از جدایی دین از دولت، بازگشت روحانیون به حوزه‌های دینی تغییر ارزش‌های دینی، ادواری بودن مسئولیت‌ها و رد اختیارات مطلقه سخن گفته است. وی به نام، از منتظری دفا کرده و گفته است: ((برای سلامت دین و سلامت سیاست، باید نهاد دین مجزا از نهاد سیاست باشد. به عبارت دیگر دین نباید دولتی باشد و نهاد دین باید مستقل از دولت بماند.)) تاکید کدیور در این مصاحبه، همان سخنانی است که آیت‌الله منتظری آبان ماه سال گذشته در حوزه علمیه قم بیان کرد و از آن زمان در قرنطینه به سر می‌برد و اکنون خبر می‌رسد رژیم او را به ((خاو)) تبعید کند.

هزاران نفر در شهرهای کردستان علیه حکومت تظاهرات کردند

نیروهای مسلح مردم را به گلوله بستند و بیش از ده نفر را کشتند

تظاهرات مردم در کردستان که با حمایت ضمنی رژیم علیه دستگیری عبدالله اوجالان آغاز شده بود، به تظاهرات گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد و بعد از مداخله سرکوب‌گرانه پاسداران و نیروهای امنیتی، خشونت و ناآرامی بار دیگر سراسر کردستان را فرا گرفت.

مردم سنندج با شعارهای ((زننده باد آزادی، مرگ بر استبداد، مرگ بر خامنه‌ای!)) به مقابله با پاسداران که درصدد برآمدند تظاهرات آنان را برهم زنند، پرداختند. تیراندازی عوامل رژیم، بر خشم مردم افزود و موجب شدت گرفتن درگیری و زد خورد در سنندج گردید. در تیراندازی‌های ماموران مسلح رژیم، سیزده نفر از مردم سنندج کشته شدند که یک کودک خردسال دو ساله نیز در میان آنان است. ده‌ها نفر بر اثر این تیراندازی‌ها زخمی شدند. به دنبال یورش وحشیانه نیروهای مسلح، مردم به سازمان اطلاعات و ادارات دولتی حمله کردند و خساراتی به این مراکز وارد آوردند. در این تظاهرات، زنان و دختران کرد حجاب تحمیلی را کنار نهادند و شجاعانه و در صف نخست اعتراض علیه حکومت شرکت کردند. بنا به گزارش‌های رسیده از کردستان، پاسداران مردم را محاصره کرده و علاوه بر کشتن گروهی از آنان، صدها نفر را دستگیر کرده و روانه زندان‌ها ساختند. به دنبال تظاهرات مردم، مدارس شهر تعطیل شد، عبور و مرور تحت کنترل شدید نیروهای امنیتی قرار گرفت و در شهر حالت فوق‌العاده و حکومت نظامی برقرار گردید.

در حالی که مردم خواستار تحویل اجساد کشته‌شدگان تظاهرات اخیر هستند، عوامل رژیم از تحویل اجساد به بستگان‌شان خودداری کرده و از آن‌ها خسارات وارده به امکان دولتی را طلب می‌کنند.

ناآرامی در سراسر کردستان

مردم سایر شهرهای کردستان، پس از اطلاع از شدت درگیری در سنندج و کشتار مردم این شهر، به خیابان‌ها ریختند و در اعتراض به کشتارها و وحشی‌گری رژیم دست به تظاهرات زدند. در کامیاران تظاهرات مردم مورد حمله پاسداران قرار گرفت و ده‌ها نفر دستگیر شدند. در شهرهای سقز، سردشت، مریوان و بانه، ماموران به مقابله با مردم پرداختند، ده‌ها تن را زخمی کردند و صدها نفر را با خود بردند. نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس به دنبال ناآرامی‌های اخیر بیانیه‌ای منتشر کردند و از مردم کردستان خواستند علیه حکومت تظاهرات نکنند. آن‌ها به جای حمایت از خواست‌های مردم کردستان و اعتراض به کشتار آنان، از مردم خواستند که ((آرام)) باشند و با حکومت به مقابله برنخیزند.

اخبار مربوط به تظاهرات مردم در کردستان و کشتار وحشیانه آنان توسط حکومت، در هیچ‌کدام از روزنامه‌های وابسته به حکومت بازتاب نیافت و هیچ روزنامه‌ای در تهران به دفاع از این مردم و اعتراض علیه حکومت برخاست.

آخرین گزارش‌های رسیده از کردستان حاکی است که شهرهای این کشور همچنان در التهاب و اعتراض هستند و هزاران نفر از نیروهای مسلح آماده مقابله با اعتراضات دوباره مردم می‌باشند. هنوز از سرنوشت بسیاری از کسانی که توسط عوامل رژیم دستگیر شده‌اند، اطلاعی در دست نیست.

کاندیداهای جناح راست در انتخابات شوراها به سختی شکست خوردند!

انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به پایان رسید و نمایندگان شوراها انتخاب شدند. اکنون نگاه مردم به سوی این شوراهاست و می‌خواهند ببینند شوراها در عمل از چه اختیاراتی برخوردار خواهند بود و تشکیل آن‌ها در زندگی روزمره مردم چه تاثیری دارد. آیا حکومت و دولت به نمایندگان شوراها اجازه می‌دهند آن طور که در دوران مبارزه انتخاباتی تبلیغ می‌کردند، در اداره امور محلی دخالت کنند، تصمیم بگیرند و اجرا کنند، بر هزینه‌ها و درآمدهای شهر نظارت داشته باشند و شهردار شهر را بدون دخالت حکومت و جناح‌های آن عزل و نصب کنند؟

نتایج انتخابات و ترکیب اعضای شوراها یک بار دیگر شکست سخت جناح راست حکومتی و عدم اعتماد و نفرت مردم از این جناح را آشکار کرد. این انتخابات مخالفت گسترده مردم با این جناح بود. درحالی که طرفداران خاتمی می‌گویند اکثریت شوراها را به دست آورده‌اند، روزنامه‌های رسالت و کیهان نوشته‌اند: برنده انتخابات شوراها ((مستقل‌ها)) بوده‌اند. منفردها و مستقل‌ها از نظر کیهان و رسالت آن دسته از نیروهایی هستند که در لیست هیچ کدام از جناح‌های حکومتی قرار نداشتند.

کیهان: پیروزی با ((دوپینگ سیاسی))

روزنامه کیهان در ارزیابی از روند انتخابات نوشت، جناح خاتمی بدون ((دوپینگ سیاسی)) نمی‌توانست اکثریت کرسی‌ها را در اختیار بگیرد. کیهان در مقاله‌ای با همین عنوان مدعی شد: ((برای اولین بار در تاریخ انقلاب، نیروهای مخالف و یا ضدانقلاب و نظام با ورود دزدانه به عرصه رویارویی نیروهای داخلی، همه کوشش خود را به کار گرفتند تا توازن میان دو رقیب داخلی را به نفع یکی از آن‌ها برهم زنند. این اتفاق ساده‌ای نبود. این اقدام از یک سو برای عناصر منزوی و مخالفان نظام مقدمه حیات دوباره در عرصه سیاسی کشور پس از بیست سال محسوب می‌شد و از سوی دیگر برای جناح به اصطلاح متولی دوم خرداد به منزله یک دوپینگ سیاسی بود.

کیهان، رسالت و سایر دستگاه‌های تبلیغاتی جناح راست حکومت، آگاهانه و با چند هدف پیروزی ((مستقل‌ها)) و ((ائتلاف طرفداران خاتمی با عناصر ضدنظام)) را پیش کشیده‌اند. آنان با این استدلال‌ها هم حذف دگراندیشان را به سایه می‌برند و هم شکست جناح راست را.

هر چند این موضع‌گیری جناح راست حکومت، برای ((اثبات)) این نکته است که طرفداران خاتمی نیز در انتخابات پیروز نشده‌اند، اما حاوی حقیقتی نیز هست که در بسیاری از نقاط مردم کاندیداهایی را برگزیده‌اند که دست‌کم در ظاهر وابسته به حکومت نبوده‌اند.

در تهران در میان ۱۵ نفر نماینده شهر، فقط دو نفر از جناح راست هستند. در اصفهان فرزند آیت‌الله طاهری امام جمعه که از طرفداران خاتمی و منتظری است، رای اول را به دست آورد. از یازده عضو شورای شهر اصفهان ۸ نفر وابسته به جناح خاتمی هستند. در مشهد جناح راست نیمی از کرسی‌ها را به دست آورده و در تبریز نیز هواداران خاتمی به پیروزی رسیده‌اند. در حالی که در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز افراد مستقل و غیروابسته به جناح‌ها به یک یا دو نفر محدود شده است، در شهرهای کوچک آنان پیروزی‌های چشمگیرتری به دست آورده‌اند و حتی در رشت، مرکز استان گیلان، کاندیداهای مستقل از هر دو جناح پیشی گرفته‌اند. در شهرهای ساری، ارومیه، شهرکرد، قزوین و قوچان، زنان رای اول را کسب کرده‌اند و در شیراز، اردبیل و اصفهان در ردیف دوم قرار گرفته‌اند.

در انتخابات شوراها، حضور احزاب غیرحکومتی ممنوع بود، دگراندیشان حذف شده و یا اساساً امکان شرکت نیافته بودند و سایر داوطلبان نمایندگی را جناح راست حکومت و ادار به توبه‌نامه کتبی کرد. در این انتخابات هزاران نفر از افرادی که مخالف ولایت‌فقیه بودند، توسط هیات‌های نظارت حذف شدند. با این همه، این انتخابات از یک سو شکست قاطع جناح راست بود و از سوی دیگر تمایل گسترده مردم به انتخاب چهره‌هایی را نشان داد که به هیچ کدام از جناح‌های حکومت وابسته نیستند.

((کار)) بیست ساله شد

ما برای بازگشت به زادگاه خویش، از پای نخواهیم نشست!

با انتشار این شماره، بیست سال از عمر ((کار)) که نخستین شماره آن در نخستین ماه انقلاب بر ده روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفت، گذشت. سرگذشت بیست ساله ((کار)) نمونه روشنی است از سرگذشتی که مطبوعات ایران در حیات بیست ساله جمهوری اسلامی داشته‌اند و رنج‌هایی است که بر آنان رفته است. از این بیست سال، ((کار)) تنها مدت کوتاهی را توانست آزادانه انتشار یابد و دشمنان آزادی خیلی زود آن را مجبور ساختند که ابتدا به انتشار مخفیانه تن دهد و سپس رنج و درد تبعید را بر آن تحمیل کردند. در این بیست سال، بسیاری از نویسندگان و همکاران نشریه ((کار))، بسیاری از آنان که خطر رساندن ((کار)) به دست مردم را پذیرفتند، به دست این دشمنان آزادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، از حقوق اجتماعی خود محروم شدند، به زندان افتادند و سرانجام نیز ناجوانمردانه اعدام شدند. این فشارها، انتشار ((کار)) را متوقف ساخت و در این پیکار بیست ساله قلم با دشمنه، فکر با گلوله، دشمنان آزادی نتوانستند، صدای ((کار)) را خاموش سازند، زیرا این صدا، صدای بخشی از مردم ایران، و اتفاقاً بخشی از مصمم‌ترین و استوارترین آن‌ها بود.

طی همه این سال‌ها، آن چه ((کار)) را سر پا نگاه داشته است، حمایت‌های بیدریغ و گاه فداکارانه مردمی بوده است که آزادی و عدالت می‌خواسته‌اند و بازتاب این خواسته خویش را در این نشریه یافته‌اند و ما همین جا صمیمانه از همه آنان که در این بیست سال یاور ((کار)) بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنیم!

در این آغاز بیستمین سال حیات خود، سخن نخست و اصلی ما، همچنان دفاع از حق موجودیت آزادانه ما در کشور است. ((کار)) به مثابه یک نشریه که قدمتی به اندازه انقلاب ایران دارد، خواستار آن است که آزادانه در کشور منتشر شود و به دست مردمی که خواهان و مشتاق آن هستند، برسد. این حق بدیهی بیست سال است از ما دریغ شده، اما ما برای به دست آوردن آن، از پای نخواهیم نشست.

نه قانون و نه دولت، هیچ‌کدام مدافع و پشتیبان این خواست ما نیستند، جامعه مطبوعاتی درون کشور و تشکیلاتی که ظاهراً برای دفاع از مطبوعات به وجود آمده است، نیز اگر دشمن جرار نباشند، متأسفانه یار راه نیز نیستند. هنوز برای مطبوعاتی که حقیقت را بدون ملاحظه قدرت می‌نویسند و از آن به دفاع بر می‌خیزند، برای مطبوعاتی که در راه یک دموکراسی پیگیر در کشور قلم می‌زنند و به هیچ قدرتی باج نمی‌دهند، حتی مطبوعات مدعی آزاداندیشی داخل کشور نیز، حق حیاتی قایل نیستند. اتکالی ما به نیروی دم به دم فزاینده آزادی‌خواهی در کشور است، که آزادی را بی‌واسطه و برای همه می‌خواهد.

برای این که این خواست ما مورد پشتیبانی این نیرو قرار گیرد، باید دیوار ضخیم سکوتی را که رژیم پیرامون ما تنیده است بشکنیم و موجودیت خویش را با صدای رساتری به جامعه اعلام کنیم. این کار سترگ به همت نیرویی نیاز دارد که تا به امروز با تلاش‌ها و فداکاری‌های خود ((کار)) را زنده نگاه داشته است.

در بیستمین سال حیات خود بار دیگر این نیرو را به یاری می‌طلبیم و از او می‌خواهیم که با پشتکار، مسئولیت و همت بیشتری، راه ((کار)) را به سوی ایران بگشاید. رساندن نشریه ((کار))، مقالات و موضع‌گیری‌های مهم آن به ایران، مهمترین هدفی است که باید امروز پیش روی خود قرار دهیم و با استفاده از هر وسیله و امکان مناسبی که می‌شناسیم و می‌توانیم ایجاد کنیم، به این مهم یاری رسانیم. این وظیفه مهم، تنها برای دفاع از حق موجودیت ((کار))، تنها برای شکستن دیوارهای ضخیم سکوتی که پیرامون ما تنیده‌اند نیست، بلکه همچنین برای رساندن نشریه‌ای به دست مردم ایران است که مواضع عمیقاً دموکراتیک دارد و از جنبش‌ها و اعتراضات آنان بدون هیچ ملاحظه‌ای دفاع می‌کند. در صحنه مطبوعات کشور، هنوز هیچ نشریه‌ای وجود ندارد که با صراحت و بدون ملاحظه این یا آن جناح حکومت، بدون ترس از سانسور و یا تن دادن به خودسانسوری، و از موضع چپ به دفاع از جنبش‌های مردمی بپردازد و ضرورت حضور چنین نشریاتی در ایران بر کسی پوشیده نیست. پس هر آن چه را در توان داریم، برای بازگرداندن ((کار)) به زادگاهش، دریغ نورزیم!



اطلاعیه کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت ۸ مارس

مبارزات مستقل زنان ایران همچنان گسترش می‌یابد!

هشت مارس، روز همبستگی جهانی زن، امسال مصادف است با بیستمین سالگرد استقرار جمهوری اسلامی. تاریخ این بیست ساله، تاریخ شدیدترین تبعیض‌ها، حق‌کشی‌ها و ستمگری‌ها علیه زنان ایران است. رژیم جمهوری اسلامی، از همان آغاز، مهم‌ترین اهداف خود را خانه‌نشین‌کردن زن و راندن آن از صحنه فعالیت اجتماعی و سلب شخصیت مستقل او قرار داد.

در طی این دوران، هشتم مارس در شرایطی برگزار شده است که نیروهای ارتجاعی تعرض بیشتری علیه زنان انجام داده و موقعیت زنان را به حالت اسفباری درآورده‌اند. اما در برابر این تاریخ سیاه تعرضات ارتجاع زن ستیز، تاریخ پرافتخار مبارزه و مقاومت زنان قرار دارد. جنبش زنان در داخل و خارج از کشور، گام‌های جدیدی به جلو نهاده و از نظر کمی و کیفی با آگاهی و توان بیشتری مبارزه خود را پیش برده است. اکنون برای اولین بار در تاریخ کشور ما، جنبش حقیقت‌طلبانه زنان در داخل کشور، به یک جنبش توده‌ای تبدیل شده است و زنان با اعتقادات و اندیشه‌های گوناگون در این جنبش فعال شده‌اند. در تداوم همین وضع است که می‌بینیم در یک سال اخیر، حرکات توده‌ای زنان اوج گرفته است. از میدان‌های فوتبال تا محاکم قضایی، همه جا شاهد حضور زنان در صحنه مبارزه بوده‌ایم. از سوی دیگر، در این بیست سال، علیرغم همه فشارهای حکومت برای خانه‌نشین کردن زنان، شاهد آنیم که توده وسیع زنان ایرانی در بالاترین سطح سواد و فرهنگ و شعور سیاسی در طول تاریخ خود قرار گرفته‌اند و در عرصه هنر و ادبیات و بسیاری عرصه‌های دیگر، پیشرفت‌های شایان کرده‌اند.

از نکات برجسته مبارزه زنان این است که برعکس دوران قبل که مبارزات آنان عمدتاً در چارچوب احزاب قرار داشت، اکنون زنان با عقاید و مواضع سیاسی مختلف، بیش از پیش بر جنبش مستقل فرایدئولوژی و فراحزبی پافشاری می‌کنند.

با توجه به مجموعه این رویدادها می‌توان گفت امسال در شرایطی ۸ مارس را برگزار می‌کنیم که جنبش زنان آماده برداشتن خیزهای بلندتری به جلو است و امید آن است که در سالی که در پیش است، این جنبش بتواند با وحدت بیشتر به تعرضات جدی‌تر برای عقب نشاندن تمام نیروهای ارتجاعی و زن‌ستیز دست بزند و گام‌های بلندتری در راستای تامین حقوق زنان ستم دیده ایران بردارد.

کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۸ مارس ۱۹۹۹ ۱۷ اسفند ۱۳۷۷

نامه سرکشاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به

**رئیس جمهوری فرانسه؛ نخست وزیر فرانسه؛ رئیس جمهوری ایتالیا؛
نخست وزیر ایتالیا؛ صدراعظم جمهوری فدرال آلمان و رئیس شورای اتحادیه اروپا**

آقایان محترم

محمد خاتمی رئیس جمهوری ایران به زودی به ایتالیا و فرانسه، دو کشور عضو اتحادیه اروپا سفر خواهد کرد. ما مایلیم از این طریق از شما تقاضا کنیم از فرصت سفر پرزیدنت خاتمی برای حمایت از خواست رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بهره گیرید.

پرزیدنت خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ با این وعده پیروز شد که حکومت قانون و گشایش سیاسی را تحقق بخشد. علیرغم این وعده، در ایران کماکان حقوق بشر توسط حکومت پایمال می شود. موارد زیر، صحت این ارزیابی را نشان می دهد:

- در نوامبر ۱۹۹۸ دو شخصیت برجسته اپوزیسیون، داریوش و پروانه فروهر، و نیز دو نویسنده به نام های محمد مختاری و محمد جعفر پوینده در تهران قربانی قتل های فجیعی شدند. با اینکه سرویس مخفی ایران به دخالت در این جنایات اعتراف کرده و وزیر مربوطه ناچار به استعفا شده است، هنوز نه هویت قاتلان معلوم است و نه هویت دستوردهندگان آنان. با اینکه قبل از قتلها، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب علنا نویسندگان و مخالفان را تهدید به قتل کرد، هنوز وقوع قتلها نه برای او و نه برای سایر مقامات افراطی، عواقب سیاسی نداشته است.

- علی توسلی، عضو سابق رهبری سازمان ما، که در یک سفر تجاری به باکو پایتخت آذربایجان توسط سرویس مخفی ایران ربوده و به ایران برده شد، سالهاست که در زندان است. او را در حالی ربودند که دیگر فعالیت سیاسی نداشت. محل اقامت دائمی وی، بریتانیا بود. وی در دامی گرفتار شد که سرویس مخفی ایران تحت عنوان یک امر تجاری در باکو تدارک دیده بود.

- عباس امیرانتظام، سخنگوی نخستین دولت لیبرال پس از انقلاب، با اینکه در سال ۱۹۹۷ پس از ۱۸ سال زندان آزاد شده بود، از ۱۹۹۸ دوباره در زندان به سر می برد. هفته گذشته اعلام شد که امیرانتظام در دادگاه انقلاب به اتهام "دروغ پراکنی" محاکمه خواهد شد.

- نامزدهای اپوزیسیون امکان شرکت در انتخابات محلی ۲۶ فوریه ۱۹۹۹ را نیافتند.

- تعداد زیادی از روزنامه ها و مجلات مستقل در دوره مسئولیت پرزیدنت خاتمی ممنوع شده اند، از جمله در سال ۱۹۹۹ نشریه آدینه که مهم ترین و پرتیراژترین مجله فرهنگی ایران بود.

- اقلیت مذهبی بهایی کماکان آماج پیگرد و آزار است. در روز ۱۰ فوریه ۱۹۹۹، جسد خانم ناهید رضوانی یکی از نمایندگان این اقلیت در خانه اش در تهران پیدا شد.

ما از شما تقاضا داریم رئیس جمهوری اسلامی ایران را فرا خوانید که در قبال این موارد موضع بگیرد. علاوه بر این از شما تقاضا داریم از خواست های زیر حمایت کنید:

- اعلام اسامی قاتلان عضو سرویس مخفی ایران و دستوردهندگان آنان و محاکمه علنی آنان.

- تحقیق مستقل بین المللی درباره همه موارد پرشمار قتل های سیاسی بی کیفرمانده سال های اخیر که قربانیان آن، مخالفان رژیم ایران بوده اند.

- آزادی علی توسلی و عباس امیرانتظام.

- اعلام عفو بی قید و شرط همه ایرانیانی که در خارج از کشور پناهندگی سیاسی دریافت کرده اند توسط رئیس جمهوری و رئیس قوه قضائیه ایران

- تضمین علنی رئیس جمهوری برای آزادی فعالیت سیاسی همه احزاب و سازمان های سیاسی و نه تنها گروه های اسلامی ما از پیش بابت کوشش های شما مراتب امتنان خود را اعلام می کنیم.

با احترام

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>
آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany